

بررسی رابطه ی سبک های یادگیری و ابعاد هوشی چندگانه در دانش آموزان باهوش مدارس خاص مقطع ابتدایی در شهر اصفهان

مرضیه بزرگی^{1*}، زهره زارعان²، قدرت اله زارعان³

چکیده

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه ی بین سبک های یادگیری و ابعاد هوشی چندگانه در دانش آموزان باهوش مقطع ابتدایی مدارس خاص در شهر اصفهان است. تحقیقات نشان داده اند که سطح عملکرد و یادگیری دانش آموزان باهوش با ابعاد هوشی چندگانه به میزان زیادی تحت تاثیر سبک های یادگیری است که معلم یا مربی در تدریس به کار می گیرد. روش پژوهش در تحقیق حاضر از نوع همبستگی می باشد. بدین منظور نمونه شامل 210 نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی بوده است، که به روش نمونه گیری چندمرحله ای از بین جامعه مورد نظر انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد نظر از پرسشنامه سبک های یادگیری کلب و مقیاس اندازه گیری شرر (MIDAS) بر اساس نظریه هوش های چندگانه گاردنر استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) نشان داد که بین دانش آموزان دارای سبک های یادگیری متفاوت از لحاظ هوش های چندگانه و ابعاد آن تفاوت وجود دارد. هم چنین، نتایج نشان داد که بین دانش آموزان دختر و پسر از لحاظ هوش های چندگانه و ابعاد آن به جز هوش موسیقایی تفاوت وجود دارد. هم چنین بین دانش آموزان دختر و پسر دارای سبک های یادگیری متفاوت در هوش های بدنی، فضایی، زبانی، میان فردی و طبیعت گرایانه تفاوت دیده شد.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد

2. کارشناسی ارشد

3. دکترای تخصصی

واژه های کلیدی:

سبک های یادگیری، ابعاد هوش چندگانه، دانش آموزان باهوش، مدارس خاص، عملکرد دانش آموزان

1- مقدمه

موضوع یادگیری یکی از مباحث مهم در حوزه ی روانشناسی است و بر این اساس است که انسان مهارت های خود را توسعه می دهد و اصولاً پیشرفت های بشر و توسعه روز افزون علم، زاینده ی یادگیری است. یافته های پژوهشی نو در علم یادگیری و علوم شناختی در پاسخ به این سوال که انسان ها چگونه یاد می گیرند؛ به کارکردهای ذهن در یادگیری عمقی و ساختن دانش در درون یادگیرنده دلالت دارد. از این دیدگاه، یادگیری فرایندی است که طی آن فرد بازنمایی های ذهنی خود را بهبود می بخشد. تأکیدهایی که امروزه بر اهمیت امر یادگیری می شود ما را بر آن می دارد که برای یادگیری مطلوب و موثر بیشتر تلاش کنیم و از همه ی فرصت ها و ظرفیت ها برای پیشبرد دانش و علم که یادگیری وسیله ی آن است، بهره بگیریم.

دانش آموزان دارای تفاوت های فراوانی هستند که در آموزش نقش اساسی دارد، آن ها از نظر یادگیری، توانایی کارآمدی و توانایی تفکر منطقی با یکدیگر تفاوت های مهمی دارند. (گلاور و همکاران 1990). در پژوهش هایی که عملکرد تحصیلی را مورد مطالعه قرار دادند، همواره سبک های یادگیری و ابعاد هوشی به عنوان متغیرهای مهم گزارش شده اند. موضوع عملکرد تحصیلی و عواملی که احتمالاً آن را تحت تاثیر قرار می دهند، از دیرباز مورد توجه روان شناسان و مربیان تعلیم و تربیت بوده است. در این میان به نظر می رسد عواملی نظیر هوش، انگیزش و نگرش افراد به دروس مختلف و سبک های یادگیری متفاوتی که هر یادگیرنده برای یادگیری دروس مختلف از آن استفاده می کند، از اهمیت زیادی برخوردارند. (سیف، علی اکبر 1381). معلمان به خوبی از این حقیقت آگاهند که کلاس پر از دانش آموزانی است که با یکدیگر در روش های متفاوت فرق دارند. هر دانش آموز از یک فرهنگ متفاوت می آید. پیش زمینه فرهنگی و اقتصادی هر یک سطوح متفاوتی از علاقه، روش های متفاوت ابراز وجود و نقاط ضعف متفاوت را ایجاد می کند. گاردنر می گوید این خیلی مهم و ضروری است که معلم تفاوت های فردی میان دانش آموزان را خیلی جدی بگیرد آگاهی از تنوع هوش های چندگانه معلمان را بر می انگیزد تا روش های متفاوتی برای کمک به همه دانش آموزان کلاس شان بیابند. معلم باید آگاه باشد هر دانش آموز نیمرخ هوشی منحصر به فرد خودش را دارد که می تواند بر یادگیری دانش آموز تاثیر بگذارد.